

اظهار نظر کارشناسی درباره:
«طرح الزام دانشگاهها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی به پذیرش
دانشجویان دختر در محل سکونت آنها»

مقدمه

برگزاری آزمون سراسری ورود به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و آزمون ورودی دانشگاه آزاد اسلامی به صورت متمرکز و در سطح کشور از یکسو و تفاوت سطح دانشگاهها و نوع دورهها و رشتهها از سوی دیگر همه ساله جابهجایی بخش قابل توجهی از جمعیت جوان کشور را باعث می شود، که تحمل آن، به خصوص در مورد دختران، برای بخش قابل توجهی از خانوادهها دشوار است. این دغدغه خاطر، خود ناشی از نگاهی است که خانوادهها نسبت به دختران در مقایسه با پسران دارند و آنها را به هر دلیل آسیب پذیرتر از پسران می دانند.

پیشنهاد طرح الزام دانشگاهها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی به پذیرش دانشجویان دختر در محل سکونت آنها برای رفع «مشکلات عدیده ای» که از تحصیل دختران به دور از خانواده و محل سکونت ایشان ناشی می شود ارائه شده است.

سابقه

انتقال دانشجو از یک مؤسسه آموزش عالی به مؤسسه ای دیگر به صورت دائم یا موقت (دانشجوی میهمان) از جمله مباحثی است که در آیین نامه های آموزشی پیش بینی شده است. زیرا اگر انتقال دانشجو بی هیچ قید و شرطی پذیرفته شود، به معنی آن است که دانشگاهها و مؤسسات ناگزیر باشند که خارج از ظرفیت خود دانشجو پذیرش کنند.

با لحاظ مراتب فوق آیین نامه های آموزشی انتقال دانشجو از شهرستان به تهران را به سه مورد ازدواج دانشجوی دختر، در صورتی که شوهر وی در تهران شاغل باشد، بیماری دانشجو که مراقبت والدین را ایجاب کند و مورد سوم اینکه سرپرستی خانواده برعهده دانشجو قرار گیرد، محدود کرده است. اما انتقال دانشجو از شهرستان به شهرستان دیگر تنها در صورت موافقت دانشگاه های مبدأ و مقصد امکان پذیر است و محدودیتی جز ملاحظات آموزشی و دانشگاهی بر انتقال دانشجویان از شهرستانی به شهرستان دیگر بار نیست. پذیرش دانشجویان میهمان، بومی پذیری و اعطای اختیار انتقال دانشجو به رشته قبولی استانی به جای رشته قبولی اصلی، بدون هرگونه قید و شرط اجرایی از جمله دیگر مواردی بوده است که طی سال های اخیر در جهت تسهیل انتقال دانشجویان به کار رفته است.

تأثیرات طرح

طرح مذکور طرحی غیر عملی است و با فرض عملی شدن نیز آثار سوئی بر آن مترتب است که به اهم موارد اشاره می شود. ● ورود مجلس به امور جزئی و اجرایی از قبیل انتقال دانشجو، که از بدو تأسیس دانشگاه تهران تاکنون برعهده دانشگاهها و مؤسسات های آموزش عالی و حوزه های ستادی آموزش عالی کشور بوده است، صرف نظر از اینکه جایگاه و شأن مجلس و قانون و قانون گذاری را تنزل می دهد، مجلس را از پرداختن به امور کلان باز می دارد و تبعات ناخواسته و ناخوشایندی را بر جامعه تحمیل می کند.

از جمله آنها می‌توان به بالا بردن بی‌رویه توقعات جامعه، بی‌توجهی به امکانات و قرار دادن آنها در مقابل دولت، بلااستفاده ماندن ظرفیت‌های آموزش عالی، تراکم دانشجویان در دانشگاه‌های شهرهای بزرگ و مراکز استان‌ها و ناهمگون شدن کلاس‌های درس از نظر سطح تحصیلات پایه دانشجویان اشاره کرد.

● در حال حاضر جمعیت دانشجویی کشور از ۴/۱ میلیون نفر فراتر رفته است که بیش از نیمی از این عده را دانشجویان دختر تشکیل می‌دهند. در این حال با فرض اینکه تنها ۱۰ درصد از این عده تقاضای انتقال به محل سکونت خود را داشته باشند، مجموعه دانشگاه‌های مراکز استان‌ها، حتی مجموعه دانشگاه‌های تهران، قادر به پاسخگویی به این تقاضا نمی‌توانند باشند. حال اگر اجرای طرح افزایش ظرفیت دانشجویی را به دنبال داشته باشد، این امر به منزله افزایش هزینه‌های جاری است که می‌بایست طریق تأمین هزینه آن معلوم شده باشد و از آنجا که طرح در این زمینه سکوت کرده است، می‌تواند مغایر اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی تلقی شود. علاوه بر آن با توجه قانونی بخشیدن به این خواسته، مدیران آموزش عالی کشور تحت فشار شدید مردم قرار خواهند گرفت، بدون اینکه به لحاظ عملی امکانی برای پذیرش این حجم عظیم تقاضا وجود داشته باشد.

● ملزم دانستن دانشجویان دختر به کسب موافقت والدین یا همسران خود در صورت تمایل به ادامه تحصیل در شهر غیر محل سکونت آنها و توجه قانونی بخشیدن به آن می‌تواند احیاناً به مسئله‌ای فرهنگی و اجتماعی تبدیل شود و مشکلات خانوادگی ایجاد کند. مضاف بر آن، الزام یاد شده با توجه به اصل بیستم قانون اساسی که اشعار می‌دارد: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند» می‌تواند مغایر اصل مذکور قلمداد شود.

بررسی دلایل فوریت یا ضرورت طرح

موضوع انتقال دانشجویان از یک دانشگاه به دانشگاه محل سکونت دانشجوی مسئله جدیدی نیست، بلکه قدمتی برابر تاریخ آموزش عالی ایران دارد. با این همه باید توجه داشت که اولاً پذیرش دانشجوی دختر در محل سکونت وی بجز در موارد خاص از جمله وجود دانشگاه‌های متعدد در محل سکونت که همه رشته‌های تحصیلی را پوشش دهند، به‌طور کلی امکان‌پذیر نیست و حتی در پذیرش استانی نیز دانشجوی ساکن در شهرستان‌های استان به اقامت در مرکز استان و به دور از خانواده ناگزیر است؛ ثانیاً برای حل مسئله راه‌های دیگری بجز توسل به قانون متصور است که طراحی و عمل به آنها بیش از آنچه به قدرت قانون‌گذاری نیاز داشته باشد، به انجام کار کارشناسی و توجه به ظرایف موضوع نیازمند است. ضمن اینکه اقدام به حل این مسئله نیز از جمله دغدغه‌های دستگاه‌های حوزه ستادی آموزش عالی به‌خصوص طی سال‌های اخیر بوده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه:

الف) ورود مجلس به این قبیل امور جزئی و اجرایی، مجلس را از وظایف اصلی خود بازمی‌دارد و شأن قانون و قانون‌گذاری را تنزل می‌دهد.
ب) دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی کشور چه به لحاظ کیفیت و سطح آموزش و چه به لحاظ دوره و رشته تحصیلی متفاوتند، به این دلیل تحصیل دانشجویان دختر در دانشگاه شهر یا استان بومی، در بسیاری از موارد رضایت آنها را جلب نمی‌کند، در این حال الزام آنها به انتقال به دانشگاه محل سکونت والدین می‌تواند با علایق آنها در تضاد قرار گیرد. به‌خصوص که پذیرش دانشجویان برای دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی کشور به‌صورت متمرکز و براساس اولویت‌های تعیین شده توسط داوطلبان و از طریق سازمان سنجش آموزش کشور انجام می‌شود و دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی پذیرنده کمترین نقشی در این انتخاب دارند.

ج) تصویب طرح مذکور، نظم موجود و حاکم بر آموزش عالی کشور را با دامن زدن به توقعات دانشجویان و خانواده‌های آنها برای برخورداری از امکانات و مواهب دانشگاه‌های معتبر محل سکونت خود - بی‌آنکه به لحاظ علمی استطاعت قبولی در آن دانشگاه را داشته باشند، بر هم می‌زند؛

در مجموع می‌توان گفت که مشکلات مترتب بر طرح پیشنهادی به‌مراتب بیش از فواید و تسهیلاتی است که از اجرای آن در صورت تصویب انتظار می‌رود و به این لحاظ رد طرح مذکور اولی به نظر می‌رسد.